

سید ابراهیم میرشاه جعفری


بسم الله الرحمن الرحيم

رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه

نویسنده:

ابراهیم میرشاه جعفری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه

مشخصات کتاب

مؤلف: سید ابراهیم میرشاه جعفری

مترجم: حمید مقامی

ناشر : سید ابراهیم میرشاه جعفری

چکیده

از منابع مهم در بررسی و استنباط عناصر نظام تربیتی اسلام، دعاهای مأثور از پیشوایان دین، به ویژه، دعاهای گران سنگ امام سجاد (ع) است. در این نوشتار اهداف، مبانی، اصول و روش های تربیتی در صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا به بررسی و تعریف مفاهیمی چون «نظام تربیتی» «اهداف»، «مبانی»، «اصول» و «روش های تربیت» پرداخته و ارتباط بین این مفاهیم را روشن ساخته ایم. با توجه به ارتباط منطقی بین این عناصر، به استنباط نظریه های راهنمای عمل از دیدگاه صحیفه پرداخته و مقاله را با بررسی سه هدف، سه مبنا، سه اصل و دوازده روش تربیتی سامان بخشیده ایم. واژه های کلیدی: ۱- صحیفه سجادیه ۲- نظام تربیت ۳- اهداف تربیت ۴- مبانی تربیت ۵- اصول تربیت

مقدمه

«زبان دعا» که در صحیفه برای تعلیم و تربیت شیعیان مورد استفاده قرار گرفته است برترین شیوه تربیتی است. این زبان به عنوان زبانی عاطفی - عقلانی شور و شعوری دل انگیز می آفریند او را به مقصد تربیت رهنمون می سازد. رهنمودهای کلی و دستورالعمل های جزیی تربیتی صحیفه که مبتنی بر شالوده های بنیادین انسان شناختی و نگاه پیوسته به مقصد عالی تربیت است به نظام تعلیم و تربیت اسلامی ساختاری منطقی و زیبا بخشیده است. اگر چه ساختار به نحو مشخص در صحیفه نمود ظاهری ندارد؛ ولی نیازمند استنباطی است که همه ی جنبه های آن را از نظر مبانی، اهداف، اصول و روش ها مشخص سازد. در این مقاله کوشیده ایم نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از حیث اهداف، مبانی، اصول و روش های تربیت از طریق دعاهای صحیفه مورد بررسی قرار دهیم.

مفهوم شناسی واژه های کلیدی

نظام تربیتی

منظور از نظام تربیتی مجموعه ای از مفاهیم و اندیشه های سازمان یافته درباره ی تربیت است که از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و به طور اساسی و پایه ای بیانگر چگونگی تربیتند. این مفاهیم عبارتند از: مبانی، اهداف، اصول و روش ها که به عناصر اساسی تعلیم و تربیت معروفند.

اهداف تربیت

هدف در تعلیم و تربیت به معنای نقطه ی نهایی و وضع مطلوبی است که به طور آگاهانه تلاش های تربیتی ما به آن معطوف است. اهداف در یک تقسیم بندی کلی به غایی و واسطه ای تقسیم می شوند. برخی از اهداف واسطه ای نسبت به یکدیگر ارتباط عرضی دارند، به طوری که می توانند در کنار هم قرار گرفته و ناظر به شؤون مختلف انسان باشند. این اهداف نسبت به هدف غایی ارتباط طولی دارند و حلقه های میانگین برای دست یافتن به هدف غایی اند. در صحیفه به برخی از این اهداف اشاره شده است.

مبانی تربیت

مبانی تربیت گزاره هایی است که بیانگر ویژگی های عمومی آدمی است و به شکل قضایای حاوی «است»، قابل بیانند. به بیان دیگر: مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت انسان و امکانات و محدودیت های او و از ضرورت هایی که حیات آدمی همواره تحت تأثیر آن هاست بحث می کند. در این مقاله مبانی تربیت گزاره هایی برگرفته از صحیفه سجادیه است که بیانگر ویژگی عمومی انسان است.

اصول تربیت

اصول مجموعه قواعدی است که با توجه به مبانی (ویژگی های عمومی انسان) و اهداف تربیت (۹) کشف شده و در جریان تربیت راهنمای عمل قرار می گیرند. [۱] اصولی که در این گفتار بر آن ها تأکید شده بر مبانی ای مبتنی اند که از دعاهای صحیفه استخراج شده اند. این اصول به نوبه خود زمینه ی کشف روش ها را فراهم ساخته اند.

روش های تربیت

روش ها دستورالعمل هایی جزیی است که برای ایجاد تغییرات مطلوب در متربی به کار گرفته می شود. هر دسته از این دستورالعمل ها در دامنه ی یک اصل تربیتی قرار گرفته و مبتنی برآنند. در کشف روش ها توجه به مبانی و اهداف تربیت و ارتباط با آن ها ضرورت دارد. در این مقاله سعی بر آن است روش های تربیتی، مبتنی بر اصول و با نگاه به اهداف و مبانی صحیفه استخراج گردد.

اهداف تربیت در صحیفه سجادیه

اشاره

چنان که پیش تر گفته شد، اهداف در تعلیم و تربیت به دو دسته ی غایی و واسطه ای تقسیم می شوند. اهداف واسطه ای نسبت به هدف غایی رابطه ی طولی دارند و مطلوبیت آن ها به قرار گرفتن در خط سیر هدف غایی وابسته است، به طوری که ارزش خود را از هدف غایی کسب می کنند. این اهداف همگی در کنار یکدیگر قرار گرفته و ناظر به شؤون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جسمی، فکری و اخلاقی انسانند. [۲] .

هدف غایی

هدف غایی تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع) چیزی جز «قرب الهی» نیست. در سراسر صحیفه، توجه به خداوند موج می زند. امام علیه السلام نظام تربیت را در قالب دعا و گفت و گو با خدا سامان می دهد و بر آن است که ساحت زندگی بشر را با نام و یاد خدا و درخواست قرب و نزدیکی به او زینت بخشد. اصولاـ لفظ دعا، خود تربیت کننده و جهت دهنده است. دعا به خودی خود موجب طهارت روح می گردد و راه را به سوی رفتن به فراترها آسان و میسر می سازد. امام (ع) در دعاهای مختلف از خداوند درخواست نزدیکی به او را دارد و کسانی را که به تقرب او دست می یازند، برنده میدان می داند: «یا من تنقطع دون رؤیته الابصار، صل علی محمد و آله و ادننا الی قربک» (دعای ۴/۵)؛ ای آن که چشم ها از دیدن او بازمی مانند، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک فرما. «و من تقربه الیک یغنم» (همان / ۹)؛ هر که را به سوی خود نزدیک گردانی، غنیمت و سود می برد. و به راستی که این سود

و غنیمت چیزی جز سعادت، نیک بختی و هدف نهایی تربیت انسانی نیست. و این هدف دست یافتنی است زیرا هر کس به قصد نزدیکی به خداوند به ریسمان او درآویزد، به او نزدیک می گردد: «القریب الی من حاول قربک» (دعا ۲۱/۴۵)؛ تو به کسی که قصد تقرب تو کند، نزدیکی. این جاست که قصد قربت در همه ی عرصه های زندگی برای رسیدن به هدف نهایی تعلیم و تربیت ضروری می نماید و کوشش در این راه وظیفه ی متربی است: «و اذقنی طعم الاجتهاد فیما یزلف لدیک و عندک» (دعای ۱۲۵/۴۷)؛ و مزه کوشش در آن چه به تو نزدیک می گرداند به من بچشان. بر این اساس، تمام اهداف واسطه ای نیز که ناظر بر شؤون مختلف آدمی است، باید به هدف نهایی بیانجامد وگرنه بی حاصل و بی نتیجه خواهد ماند. این کوشش و تلاش برای رسیدن به لقای پروردگار باید شوق انگیز و مشتاقانه باشد: «و شوقنی لقاءک» (همان / ۱۲۶)؛ مرا برای دیدارت مشتاق ساز. و رغبت و درخواست و هدف متربی باید تنها شوق دیدار او باشد: «و اجعل فیما عندک رغبتی شوقا الی لقاءک» (دعای ۴/۵۴)؛ و رغبت و خواسته ام را در آن چه در نزد تو است، شوق دیدار خویش قرار ده. قرب الهی به عنوان هدف برتر و نهایی تربیت در عرصه ی زندگی دنیا، آن چنان اهمیت می یابد که از دیدگاه امام سجاد (ع)، آرامشگاه بشری است: «و اجعل عندک مقیلا آوی الیه مطمئنا و مثابه اتبوءها و اقرعینا» (دعای ۱۲۹/۴۷)؛ برای من نزد خود آرامشگاهی که در آن آرامش گیرم و جایگاهی که در آن جای گزینم و چشمم را روشن سازم

(و شـاد گردم)، قرار ده. این آرامشـگاه و جایگـاه شـادی آفرین، وقـتی حاصـل خواهـد شـد که متربی از همه چیز حتی مـال و دارایی دنیا قصد قربت کند و آن را وسیله ی رسیدن به جوار رحمت الهی و پیوستن به قرب او گرداند: «و اجعل ما خولتنی من حطامهـا و عجلت لی من متاعهـا بلغه الی جـوارک و وصـله الی قربـک و ذریعه الی جنتـک» (دعـای ۶/۳۰)؛ آن چـه از مـال و دارایی دنیا که به من ارزانی داشـته ای و آن چه از کالای آن که برای من پیش انـداخته ای (و در دنیا عطا فرموده ای)، وسـیله رسـیدن به جـوار خـود و پیوسـتن به قرب خـویش و وسـیله ای به سـوی بهشت گردان. بنـابر آن چه گفته شـد، قرب به معنـای رویکرد به خدا، در مقابل دوری از خدا و رویگردانی از اوست. در فرایند تعلیم و تربیت آن چه در عرصه ی هدف مهم است، توجه دادن متربی به ذات اقـدس باری تعالی است. به طوری که همه ی امور را با توجه و یاد خـدا انجام دهـد و به دامن غفلت در نغلتـد. توجه دارای مراتبی است که هم درون و هم برون را در بر می گیرد. هر چه توجه درونی و بیرونی بیشتر باشـد، قرب بیشتری حاصل می گردد و هر چه سـطحی و کم رنگ باشـد، قرب کمتری به دست خواهد آمد، اما مهم حرکت در این مسـیر است. متربی هر گـامی که به سوی معبود خویش، هر چنـد کوتاه بردارد، به درجه ای از قرب نائل شـده که نسـبت به وضـعیت قبلی رشد و تربیت بیشتری یافته است؛ اما نسبت به وضعیت و مرتبه بالاتر در

ضعف قرار دارد. در تعلیم و تربیت اسلامی کوشش مربی آن است که متربی را همواره به درجه ای بالاتر رهنمون سازد. و مربی نیز باید در کار خویش قصد قربت کند تا همواره همراه با متربی، او نیز به درجه ای بالاتر از قرب دست یازد؛ چنان که حضرت سجاد (ع) نیز به عنوان مربی و پیشوا از خداوند درخواست قرب می کند: «و ادننا الی قربک» (دعای ۴/۵)؛ ما را به قرب خود نزدیک گردان. و چنین است که در تعلیم و تربیت اسلامی مربی و متربی پیوسته در حال دگرگونی هستند؛ دگرگونی ای که هر لحظه کامل تر از لحظه ی پیش است.

اهداف واسطه ای

تربیت عقلانی

آن چه متربی را در مقابل موانع تربیت، مقاوم ساخته و با نظر به هدف غایی تربیت او را برای رسیدن به موقعیت مطلوب کمک می رساند به کارگیری قوه ی عقلانی است. تربیت عقلانی به عنوان یکی از اهداف مهم واسطه ای، متربی را در رسیدن به «خود فرمانی عقلانی» و در نهایت وصول به مقام قرب الهی یاری می رساند و بدون آن حرکت در مسیر، سخت و ناممکن خواهد بود؛ زیرا شیطان به عنوان مهم ترین مانع در فرآیند تعلیم و تربیت، با فراهم آوردن ناآرامی های روانی در درون انسان، مانع بروز استعدادهای آدمی خواهد شد. امام (ع) در دعای مکارم الاخلاق بر این نکته تأکید می ورزد: «اللهم اجعل ما یلقی الشیطان فی روعی من التمنی و التظنی و الحسد ذکرا لعظمتک و تفکرا فی قدرتک و تدبیرا علی عدوک» (دعای ۱۳/۲۰)؛ بار خدایا! آن چه شیطان از دروغ و گمان و رشک در دل من می افکند، به یاد بزرگیت و اندیشه در تواناییت و عاقبت

اندیشی بر دشمنت، مبدل گردان. از دیدگاه صحیفه در فرایند تربیت عقلانی سه مرحله قابل تصور است: ۱- ذکر (ذکرا لعظمتک)؛ ۲- تفکر (تفکرا فی قدرتک)؛ ۳- تدبیر (تدبیرا علی عدوک). مرحله ی اول که حضرت (ع) آن را «ذکر» می نامد، یادآوری علم متربی است. متربی به عنوان یک انسان به طور طبیعی در معرض فراموشی یا غفلت واقع می شود. از آن جا که تذکر از جانب مربی و ذکر (از سوی متربی) با ملاحظه ی هدف واسطه ای تربیت عقلانی و در راستای وصول به هدف غایی تربیت به عنوان یک اصل مهم در تعلیم و تربیت اسلامی مورد توجه است، مربی در اولین مرحله ی تربیت عقلانی در مواجهه با مسأله باید ذهن متربی را تحریک کرده، دانسته های فطری و اکتسابی او را مورد عظمت و بزرگی خدا به یادش آورد (ذکرا لعظمتک). یادآوری، خود انگیزه ی تفکر و تعقل پیرامون مسأله را در او ایجاد می کند. بنابراین مربی باید او را به تفکری جهت دار در قدرت الهی (تفکرا فی قدرتک) رهنمون سازد. نتیجه ی این دو مرحله «تدبیر» را به دست خواهد داد (تدبیرا علی عدوک). متربی پس از ذکر و تفکر، به قدرتی عقلانی دست می یابد که می تواند به تدبیر و دور اندیشی در برابر مانع تربیت (شیطان) پرداخته و مسأله را خود حل کند و البته این امر جز با درخواست توفیق از خدا و یاری او ممکن نخواهد بود. شاید بتوان با اندکی دقت مراحل پنج گانه روش حل مسأله دیویی را بر مراحل سه گانه تربیت عقلانی مزبور در صحیفه که کامل تر و با رویکردی دینی است تطابق نمود.

شناخت خدا

از جمله اهداف واسطه ای

تربیت در صحیفه معرفت خدا است. این هدف که کلید دستیابی به هدف نهایی است، نقش مهمی در تقرب به درگاه حق تعالی دارد. بدون شناخت خداوند، تقرب به او امکان پذیر نیست، تقرب و نزدیکی به او، تخلق به اخلاق حق، کسب ایمان، توکل و تقوا همه در سایه ی شناخت کامل و عمیق خدای متعال ممکن است. شناخت های سطحی به ارتباط ضعیفی بین عبد و معبود می انجامد و هر چه در معرفت گسترده و عمیق تر باشد، ارتباط مستحکم و شدیدتر خواهد بود. امام سجاد (ع) در دعاهای متعدد به خداشناسی و معرفت الهی پرداخته و با اشاره به موضوعاتی چون توحید و مراتب آن، ذات خدا و صفات او، به تقویت و تعمیق شناخت آدمی پرداخته است. در دعای نخست، ضمن حمد و سپاس خداوند به شناساندن ذات باری تعالی می پردازد: «الذی قصرت عن رویته ابصار الناظرین و عجزت عن نعته اوهام الواصفین ابتدع بقدرته الخلق ابتداعا و اخترعهم علی مشیته اختراعا ثم سلک بهم طریق ارادته و بعثهم فی سبیل محبته...» (دعای اول / ۳، ۴، ۲)؛ خدایی که دیده های بینندگان از دیدنش ناتوانند و اندیشه های وصف کنندگان از عهده وصفش برنیایند. به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش به وجود می آورد، بی آن که از روی مثال و نمونه ای باشد. سپس آنان را در راه خواست خود روان گردانید و در راه محبت و دوستی به خود برانگیخت... در فرازهای این دعا و دعاهای دیگری مانند دعای عرفه، حضرت (ع) به شناساندن خدای سبحان پرداخته و دریچه هایی از معرفت الهی را به سوی آدمیان

می گشاید. معرفت خدا چه از راه حصولی و با تفکر درباره ی او و آفریدگانش و چه از راه حضوری، مورد نظر صحیفه است. مثلا حضرت (ع) در نخستین دعا به شناخت حضوری و معرفت فطری اشاره دارد و خدای را به خاطر الهام شکر و سپاس خود به آدمیان و شناساندن وجود، علم و قدرتش به آن ها و راهنمایی فطری و درونی به سوی خویشتن مورد حمد و ستایش قرار می دهد: «و الحمد لله علی ما عرفنا من نفسه و الهمنا من شکره، و فتح لنا من ابواب العلم بربوبیته و دلنا علیه من الاخلاص له فی توحیده، و جنبنا من الالحاد و الشک فی امره» (دعای اول / ۱۰)؛ سپاس خدای را که خویشتن را به ما شناساند و شکر و سپاس خود را به ما الهام نمود و درهای علم به ربوبیتش را بر ما گشود و بر اخلاص در توحید و یگانگیش راهنماییمان کرد و از شک و دو دلی در امر خود (معرفت ذات و صفات) دورمان ساخت.

مبانی تربیت در صحیفه سجادیه

اشاره

با دقت نظر در صحیفه ی سجادیه، می توان برخی از ویژگیهای عمومی انسان را کشف و به عنوان مبانی تربیت ارائه کرد. برخی از مهم ترین مبانی تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع) عبارت است از «خدا جویی و خدا دوستی»، «غفلت و خود دوستی».

خداجویی

خدا جویی، خدا خواهی و خدا دوستی به عنوان ویژگی عمومی انسان ها یکی از مبانی مهم تعلیم و تربیت در صحیفه است. این حس مشترک به طور فطری در همه انسان ها، حتی کسانی که در یافتن مصداق حقیقی خدا به انحراف رفته اند، وجود دارد. حضرت (ع) در دعای بیستم از خداوند درخواست می کند که: «اللهم اجعلنی اصول بک عند الضروره و اسالک عند الحاجه و اتضرع الیک عند المسکنه و...» (دعای ۱۲/۲۰)؛ خداوندا! مرا چنان قرار ده که هنگام اضطرار به [یاری] تو [بر دشواری ها] حمله آورم و به هنگام نیازمندی از تو بخواهم و هنگام تنگدستی به درگاه تو تضرع و زاری کنم. این فراز دلالت دارد بر این که نیرویی درونی انسان را به سوی خدا می کشاند و هنگام گرفتاری و نیازمندی رو به سوی او می کند.

غفلت

از دیگر مبانی تربیت که در صحیفه بر آن تأکید شده غفلت است. البته این مبنا را می توان با مبنای پیشین، یعنی خدا خواهی و خدا جویی انسان، یک جا مورد بحث و بررسی قرار داد. در فراز زیر این دو ویژگی انسان در کنار هم ذکر شده است: «و لا تسمنا الغفله عنک، انا الیک راغبون و من الذنوب تائبون» (دعای ۴/۳۴)؛ ما را از جانب خود به غفلت گرفتار مکن، چون ما به سوی تو خواهان و از گناهان توبه کننده ایم. با تعمق در دعاهای صحیفه درباره ی خدا خواهی و غفلت انسان، دو گزاره ی حاوی «است» به دست می آید: ۱- «انسان خداخواه و خداجو است»؛ ۲- «غفلت از ویژگی های انسان است». این دو گزاره می توانند، به عنوان مبانی تربیت، پایه برخی از اصول

تربیت مانند «بازگشت و تذکر» قرار گیرد.

خود دوستی

منشأ بسیاری از محبت ها و گرایش های عاطفی انسان خود دوستی او است. این امر را می توان سومین مبنای تربیت تلقی کرد و برخی از اصول و روش های تربیت را از آن استخراج نمود. این عنوان مستقیما در صحیفه ذکر نشده، اما با توجه در برخی از دعاها می توان جلوه هایی از این ویژگی را مشاهده کرد. دعاهای حضرت برای خود و نزدیکان (دعای ۷) درخواست حاجت ها (دعای ۱۳)، شفا هنگام بیماری (دعای ۱۵)؛ رفع بلاها و سختی ها (دعای ۱۸)؛ تندرستی (دعای ۲۳)؛ رفع تنگی رزق (دعای ۲۹)؛ یاری طلبیدن برای ادای قرض (دعای ۳۰)؛ رفع غم و اندوه (دعای ۵۴) و بسیاری از دعاهای دیگر که در آن درخواست سعادت، کمال، قدرت، نعمت و... از خداوند دارد؛ همگی حاکی از روح خود دوستی انسان است. اگر خود دوستی یا «حب ذات» به عنوان یک مبنای تربیتی به نیکی مورد توجه قرار گیرد، به یقین منشأ عزت، کمال، نیک بختی و سرافرازی متربی می گردد و چنان چه این غریزه ی درونی به انحراف کشیده شود، روح تکبر و استکبار، طغیان و عصیان بر او چیره خواهد شد و آدمی را به گرداب خود خواهی، خود پرستی، عجب، غرور و حرص می کشاند. از این مبنا می توان «اصل عزت» را کشف و در تدابیر تربیتی مورد استفاده قرار داد.

اصول تربیت در صحیفه سجادیه

اشاره

اصول تربیت قواعدی است که با نگاه به مبانی و اهداف، کشف و در فرآیند تعلیم و تربیت راهنمای عمل قرار می گیرند. بر اساس مبانی تربیت بازگشت، تذکر و اصل را می توان به سه اصل مهم از اصول تربیت در صحیفه ارائه نمود.

اصل بازگشت یا تغییر رفتار

از اصل بازگشت یا تغییر رفتار مبنای «خدا جویی» استخراج می گردد. در صحیفه از «بازگشت و تغییر رفتار» به «انابه» تعبیر شده است. «ان یکن الترک لمعصیتک انابه فانا اول المنیبین (دعای ۲۸/۳۱)؛ اگر ترک معصیت و نافرمانی تو، انابه و بازگشت است؛ پس من اولین بازگشت کنندگان هستم. «تلقاک بالانابه» (دعای ۸/۱۲)؛ به وسیله ی انابه و بازگشت، به تو روی آورد. بازگشت و تغییر رفتار در متربی با مکانیسم توبه امکان پذیر است. در معنای انابه آمده است «الرجوع الی الله بالتوبه» (۱، ج: ۱۴، ص: ۳۱۹)؛ انابه بازگشت به سوی خداوند به وسیله توبه است یا «انابه به معنی بازگشت به طاعت است» (همان، ص: ۳۱۹) که معنای تغییر رفتار - تغییر از معصیت به طاعت - در آن لحاظ شده است. بازگشت متربی و عطف توجه او به این موضوع اساسی با کمک اصل دیگری از اصول بنیادین تربیت به عنوان «اصل تذکر» امکان پذیر خواهد بود. در جریان تعلیم و تربیت گاهی متربی نعمت ها و نیکی های مربی را به فراموشی می سپارد لذا دست به عصیان می زند و از مسیر تربیت خارج می گردد. این جا بر عهده مربی است که به یادش آورد، بازش گرداند و در آغوش خویش نیکش بپروراند.

اصل تذکر

تـذکر که مبتنی بر مبنـای تربیتی «غفلت» یـا بیگانگی از خـدا است، از اساسـی ترین اصول تربیتی است که مربی همواره به آن نیازمنـد خواهد بود، چرا که غفلت همواره در کمین متربی است تا او را در خود فروبرد. این اصل می تواند به عنوان مقدمه ای برای به کارگیری اصل «بازگشت یا تغییر رفتار» باشد. امام (ع) در فرازهای مختلفی از

دعاها، ضمن اشاره به ویژگی غفلت ذکر را به عنوان راه غفلت زدایی معرفی می کند: «و نبهنی لذکرک فی اوقات الغفله» (دعای ۲۹/۲۰)، مرا در اوقات غفلت، به یاد خود آگاه ساز. «و اشغل قلوبنا بذکرک عن کل ذکر» (دعای ۱/۱۱)؛ دل های ما را به یاد خود از هر یادی مشغول دار. «ثم انتبهت بتذکیرک لی من غفلتی» (دعای ۱۶/۱۳). با آگاهانیدن تو از خواب غفلت بیدار شدم. با دقت در این فراز درمی یابیم که برای غفلت زدایی از متربی آگاه کردن و به یاد آوردن او لازم و ضروری می نماید؛ این جاست که این متذکر شدن و سپس یاری و راهنمایی، متربی را از لغزش بازداشته و او را از فروافتادن می رهاند و به راه، بازمی گرداند؛ لذا امام (ع) در ادامه می فرماید: «و نهضت بتوفیقک من زلتی و رجعت و نکصت بتسدیدک عن عثرتی» (همان)؛ با توفیق تو از لغزشم برخاستم و با راهنمایی تو از به سر در افتادن برگشتم (همان).

اصل عزت

بر مبنای «خود دوستی» به منزله ی ویژگی عمومی انسان، می توان سومین اصل تربیتی را «عزت» دانست. طبق این اصل مربی باید عزت نفس متربی را فراهم آورد. اگر متربی با توجه به غریزه ی خود دوستی، در خود عزتی قرین به عزت نفس واقعی بیابد؛ خود شیفتگی، خود محوری، خود خواهی، خود پسندی و آزمندی مذموم را در او پدید نخواهد آمد. برعکس به توانایی های خود آگاه شده، راه کمال و نیک بختی را پیش خواهد گرفت. متربی چون ذاتا شیفته ی خویش است، «اصل عزت» می تواند او را هدایت بخشد و به سعادت رهنمون سازد. عزت بخشی به متربی، با به وجود

آوردن احساس عزت در او متفاوت است. احساس عزت می تواند وهمی و پنداری باشد و با ذلت قابل جمع است؛ اما عزت واقعی درونی با ذلت ناهماهنگ است. هرگاه کسی بتواند بر اساس غریزه ی خود دوستی، با قدرت، علم، جمال، و... دیگران را به اعجاب درآورد، احساس عزت در او پدیدار می شود؛ این چنین فردی ممکن است فریفته ی ویژگی های خویش گردد که در این صورت فاقد عزت واقعی است. این جاست که مربی باید احساس عزت واقعی را در متربی ایجاد کند؛ زیرا احساس عزت در برخی موارد جز حقارت نفس و خود دوستی های انحرافی و وهمی چیزی نیست. به همین دلیل، حضرت (ع) در دعا، عزت و بزرگی نزد خلق را توأم با خواری و کم ارزش کردن مقام دنیایی و ارجمندی ظاهری نزد خود می خواهد و بدین سان احساس عزت و بزرگی را کنترل و خود را به خدا می سپارد: «و لا ترفعنی فی الناس درجه الا حططتنی عند نفسی مثلها و لا تحدث لی عزا ظاهرا الا احدثت لی ذله باطنه عند نفسی بقدرها» (دعای ۴/۲۰)، مرا در میان مردم به درجه و مقامی سرافراز مفرما، جز آن که پیش نفسم مانند آن پست نمایی و ارجمندی آشکارا و ظاهری برایم پدید میاور، جز آن که به همان اندازه پیش نفسم برای من خواری پنهانی پدید آوری. این نکته از نظر دور نماند که برای از بین رفتن احساس ذلت در متربی، ایجاد احساس عزت برای رسیدن به عزت پایدار و واقعی مطلوب است و از این جهت احساس عزت تنها نقش زمینه سازی را ایفا می کند. عزت واقعی نیز تنها در

پرتو عبودیت و تـذلل به درگاه الهی امکان پـذیر خواهـد بود چنان که حضـرت (ع) می فرمایـد: «و ذللنی بین یـدیک و اعزنی عند خلقك وضـعنی اذا خلوت بك و ارفعنی بین عبادك» (دعای ۱۱۸/۴۷)؛ مرا در درگاهت خوار و در نزد آفریدگانت عزیز و ارجمند گردان؛ و چون با تو خلوت کرده تنها به سر برم فروتن و در میان بندگانت بلند مرتبه و سرافرازم نما. بدین ترتیب در سایه ی عبودیت، با دست یازیدن به عزت پروردگار و تکیه بر ذات عزیز و قدرتمند او دست از مردم کوتاه می کند و در پرتو عزت الهی به بی نیازی از خلق می رسـد. «و امنعنا بعزك من عبادك و اغننا من غیرك بارفادك» (دعای ۱۳/۵)؛ ما را به عزت و قـدرت خود، از [شـر] بندگانت دور ساز و به بخشـش خود، از غیر خودت بی نیاز گردان. به نظر می رسد «اصل عزت» یکی از مهم ترین و زیربنـایی ترین اصـول تعلیم و تربیت اسـلامی است، زیرا اگر مـتربی در درون خود، خویشـتن را عزتمنـد بیابـد، هرگز خود را به عصـیان و گناه آلوده نمی سازد و یا لااقل گرایش بسـیار کمتری به پستی ها و حقارت های نفسانی و اخلاقی از خود نشان می دهـد. روش های تربیتی بایـد به گونه ای باشـد که احساس عزت واقعی نفس را در متربی به بار آورد و او را از غلتیدن به حقارت و ذلت باز دارد، و از آن جا که توانایی ها و ضـعف های متربی هر دو در احساس عزت او دخالت دارند، بر اساس اصل عزت روش ابراز توانایی ها و روش های «عـذر پـذیری؛ عیب پوشـی و حسن ظن» و از اصول تذکر و بازگشـت روش های بازیابی شخصیت

دگرگون شده و دریافت عزت درونی از متن صحیفه قابل استخراج است.

روش های تربیتی در صحیفه ی سجادیه

اشاره

در این بخش تلاش شده تا برخی از روش های تربیتی مبتنی بر اصول سه گانه «بازگشت، تذکر و عزت» از متن صحیفه استخراج و به عنوان راهبردهایی ویژه در جریان تعلیم و تربیت و تغییر رفتار در متربیان پیشنهاد گردد. بدین منظور دوازده روش، مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ اگر چه شمار روش ها منحصر به این تعداد نبوده و مربی با توجه به اصول بنیادین تربیت می تواند در موقعیت های مناسب،روش های دیگری را نیز در عمل به کار گیرد.

توبه

«روش توبه» در نظام تربیتی صحیفه از جایگاه ممتازی برخوردار است و با توجه به مبنای تربیتی «بازگشت یا تغییر رفتار» می تواند به عنوان دستور العملی جزیی در فرایند تربیت به کار گرفته شود. توبه در لغت به معنای «رجوع و بازگشت» (۱، ج: ۲، ص: ۶۱) و در صحیفه به معنای «پشیمانی از گناه» و «وسیله ای برای تغییر رفتار یا باعث اصلاح انسان و رفع فساد» آمده است: «اللهم ان یکن الندم توبه الیک، فانا اندم النادمین» (دعای ۲۸/۳۱)، خدایا! اگر پشیمانی، توبه و بازگشت به سوی توست، پس من پشیمان ترین پشیمانانم. و نیز می فرماید: «یا من استصلح فاسدهم بالتوبه» (دعای ۱۰/۱۲)؛ ای آن که اصلاح تباهی های ایشان (بندگان خدا) را به وسیله ی توبه خواسته ای. وظیفه ی مربی است که در هنگام دور شدن متربی از فطرت خداجوی خود، او را به سوی حقیقت فطری خویش بازگرداند. توبه در معنای واقعی خویش، تنها در مورد گناه و عصیان به کار نمی رود؛ بلکه هر گونه دوری از اصل انسانی و توجه به عالم ماده همراه با غفلت از فرا ماده به بازگشتی راستین نیاز دارد. امام (ع)

در این بـاره می فرمایـد: «اللهم و انی اتوب الیـک من کـل مـا خـالف ارادتک، او زال عن محبتک من خطرات قلبی و لحظات عینی و حکایـات لسانی» (دعای ۲۲/۳۱)؛ بـار خـدایا! از انـدیشه هـای دل و نگاه های زیر چشـمی و گفت و گوهای زبانم که مخالف خواسته ی تو یا بیرون از دوستی تو باشد، به سوی تو بازمی گردم و توبه می کنم. «توبه» بر خلاف ظاهر دست نایافتنی آن – به ویژه در مورد کودک و نوجوان – در فرهنگ تربیتی اسلام، روش اساسی در تغییر رفتار به شمار می رود. این که توبه در نظام تعلیم و تربیت ما دست نایافتنی تلقی شده، شاید به خاطر عدم بینش صحیح نسبت به مفاهیم تربیتی دینی است. همواره توبه برای کسانی به کار برده شده که سـراپا گناه و تقصیر بوده و گناهانی به غایت بزرگ مرتکب شده باشند. اما حقیقت توبه چیز دیگری است، و آن شیوه ای کارآمد برای باز آمدن متربی به آغوش مربی است. این حقیقت در تعلیم و تربیت اتفاق نمی افتـد، مگر این که مربی نیز به سوی متربی بـازگشت کنـد، او را بپـذیرد و بـا ریسـمانی از محبت و شوق، بازگشت متربی را به نظاره بنشـیند. به همین خاطر «توبه» با توجه به مراحل گوناگون رشـد، دارای مراتبی تشـکیکی از شـدت و ضـعف است؛ بدین معنا که در سنین پایین استفاده از روش توبه باید با دقت بیشتری صورت بگیرد. در این که خردسال خطاکار را باید از راه خطا بازگرداند، شـکی نیست؛ اما شـکل بازگرداندن او با نوجوان و جوان متفاوت است. بدین منظور در مراحل پایین رشد اسـتفاده از روش های دیگر بازگشت

همراه با روش توبه، نمود بیشتری پیدا می کند.

روش تفضل

«روش تفضـل» از دیگر روش هـایی است که بر مبنای «اصل بازگشت» قابل اسـتنتاج است. تفضل، بنا به تعریف صـحیفه «یک نعمت یـا احسان ابتـدایی» است. (دعای ۳/۱۲). به عبـارت دیگر، تفضـل احسـان به دیگری است، بـدون حقی که این احسـان جزای آن باشد (۸، ص: ۹۵). بنـابراین، تفضـل پاداش کاری که متربی انجام داده است، نیست. حضـرت (ع) تفضل را یکی از صفـات پارسایـان می دانـد و از خداونـد درخواست می کنـد که او را به زیور این روش تربیـتی بیارایـد: در این روش تربیتی، متربی بـا تفضـل مربی به راه می آیـد و به سوی او بـازمی کردد. اساسـا در صـحیفه «انـابه» و «اقبـال به خداونـد» با تفضل الهی صورت می گیرد و تفضل اوست که بنـده را وا می دارد که از خداونـد درخواست کند و به سویش بازگردد: «و یحدونی علی مسألتک تفضـلک علی من اقبل بوجهه الیک و وفـد یحسن ظنه الیک، اذ جمیع احسانک تفضل و اذ کل نعمک ابتداء» (دعای ۳/۱۲)؛ تفضـل تو به کسـی که به تو رو می آورد و با گمان نیک به سویت آیـد، مرا به درخواست از تو وا می دارد، زیرا همه ی احسان های تو از روی تفضل است و همه ی نعمت هایت ابتدایی است. حضـرت (ع) توبه و بازگشت به سوی حق را نیز از فضل و احسان ابتدایی خداوند می داند: «الحمد لله الذی دلنا علی التوبه التی لم نفدها الا من فضله فلو لم نعتدد من فضله الا بها لقد حسن بلاؤه عندنا و جل احسانه الینا و جسم فضله علینا» (دعای ۲۲/۱)؛ سپاس خدای را که ما را به توبه و

بازگشت راهنمایی فرمود، توبه ای که آن را نیافتیم جز به فضل و احسان او. پس اگر از فضل و بخشش ابتدایی او جز توبه چیز دیگری را به شمار نیاوریم، نعمت او در حق ما نیکو، احسانش درباره ی ما بزرگ و فضلش بر ما عظیم است. تفضل یا احسان ابتدایی مربی نشان از علاقه مندی او به متربی است و موجب تغییر رفتار در متربی می گردد و او را به راه بازمی گرداند. در تعلیم و تربیت رسمی، معمولاـ نه مربی به فکر «احسان ابتدایی» است و نه متربی توقع احسان ابتدایی مربی است! رابطه ی بین تعلیم و تربیت همواره رابطه ای «داد و ستدوار» است که به طور پنهان «بده بستان رشوه گونه» را به ذهن متبادر می سازد. تفضل و احسان ابتدایی بدون منت، از این جا ناشی می شود که متربی مربی دوست و مربی خواه بوده و مربی در جان و دل او نفوذ دارد. چنان که پروردگار هستی چنین رابطه ای با بندگان خویش دارد؛ از روی فضل بی حساب خود به احسان ابتدایی خلق مشغول و خلق نیز به تفضل او می دوارند. لذا در نظام تعلیم و تربیت «رب مدار»، رابطه تفضل بین دو سوی آن جاری است.

روش تبشیر

روش دیگری که در بازگشت متربی به سوی خوبی ها و حقیقت در صحیفه بر آن تأکید شده، روش تبشیر، مژده دادن و یا امیدوار کردن متربی است. در این روش که قبل از عمل صورت می گیرد، مربی ناامیدی را از متربی می زداید و او را به رحمت، مهربانی و نعمت های آینده مژده می دهد. به کار گیری این روش موجب می شود، متربی با قلبی آرام و مطمئن به

عمل برخیزد، از عمل ناپسند بگریزد و به سوی حقیقت بازگردد و بدین سان در رفتار خویش تغییر ایجاد کند. حضرت (ع) در این باره می فرماید: «اللهم انی وجدت فیما انزلت من کتابک و بشرت به عبادک ان قلت: یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمه الله. ان الله یغفر الذنوب جمیعا» (دعای ۲۵۰)؛ بار خدایا! من در کتاب تو که فروفرستادی و بندگانت را به آن مژده دادی یافتم که فرموده ای: ای بندگان من که بر نفس های خود اسراف کرده و از حد تجاوز نموده اید، از رحمت و بخشش خدا نومید نشوید که خدا همه ی گناهان را می آمرزد. (زمر / ۵۳). «لا أیأس منک و قد فتحت لی باب التوبه الیک» (دعای ۷/۱۲)؛ از تو نومید نمی شوم، در حالی که در بازگشت به سوی خودت را به رویم گشوده ای. «فلولا ـ المواقف التی أمل من عفوک الذی شمل کل شی ء لا لقیت بیدی» (دعای ۳/۵۰)؛ پس اگر نبود جاهایی که امیدوارم از عفو و گذشتت که هر چیزی را فرامی گیرد، خود را از دست می رهانیدم [و هلاک و تباه می ساختم.] ایجاد امید در متربی و بشارت به رحمت، نعمت و گذشت، او را از فروغلتیدن به فرو دست بازمی دارد و به فرادست متوجه می کند، البته به کارگیری این روش باید با چنان مهارتی صورت پذیرد که افراد را از «معامله گری» بازدارد. افراط در این روش، متربی را «تاجر مآب» بار آورده، عمل را جز به بهای رسیدن به پاداشی در آینده انجام نخواهد داد و چون به پاداش و نعمت رسد عمل را از یاد می برد؛ بدون این که آن را

در نهاد خویش نهادینه ساخته باشد. بنابراین دامنه ی مژده دهی باید متناسب با ظرفیت روانی متربی در نظر گرفته شود؛ هر چه ظرفیت روانی و درونی متربی بیشتر باشد، تبشیر تأثیر مطلوب تری خواهد داشت. به همین خاطر بهتر است تبشیرها بیشتر جنبه ی غیر مادی داشته باشد تا بر متربی اثر ماندگار بگذارد. حرکت در مسیر تربیت به وسیله ی تبشیر، مستلزم نوعی «خود نگهداری و آینده نگری» است؛ لذا هر کس خود نگهدارتر و آینده نگرتر باشد تأثیر مژده بر او بیشتر و مستحکم تر خواهد بود، به همین دلیل دامنه ی تبشیر باید برای کودکان کوتاه تر در نظر گرفته شود؛ زیرا متربیان خردسال به خاطر احساسات و عواطف متغیر و زودگذر و نیز عدم درک صحیح از زمان، از خود نگهداری و آینده نگری محدودتری برخوردارند.

روش نیکی در برابر بدی

چهارمین روش که از اصل بازگشت یا تغییر رفتار استخراج می شود، «نیکی در برابر بدی» است. این روش شیوه ی همیشگی همه ی پیشوایان دین نسبت به دوستان خطاکار و دشمنان نادان بوده است. شیوه ای که خدای سبحان نیز در برابر بدکاری ها و نافرمانی های بندگان خود از روی فضل و کرم خویش به کار می گیرد. روش «احسان در برابر اسائه» شیوه ای مناسب برای تربیت و اصلاح بدی هاست. گاهی با احسان به فرد خطاکار، فطرت خدا جوی او بیدار و از کردار خویش نادم می شود و به راه حقیقت می گراید؛ این روش باید با حساسیت ویژه ای مورد استفاده قرار گیرد، تا تأثیر تربیتی خود را بر متربی بر جای گذارد. حضرت (ع) در دعایی که برای همسایگان خود می کند چنین می فرماید؛ «و اجعلنی اللهم اجزی بالاحسان مسیئهم و اعرض بالتجاوز عن ظالمهم» (دعای ۳/۲۶)؛ بار

خدایا مرا به آن دار که بدکردارشان را به نیکی پاداش دهم، از ستمکارشان به عفو و بخشش درگذرم. در دعای دیگری از خداوند درخواست می کند که: «سددنی لان اعارض من غشنی بالنصح و اجزی من هجرنی بالبر و اثیب من حرمنی بالبذل و اکافی ء من قطعنی بالصله و اخالف من اغتابنی الی حسن الذکر» (دعای ۹/۲۰)؛ مرا توفیق ده تا با کسی که با من غش (ناراستی) نمود، از روی اخلاص (درستی) رفتار کنم و کسی را که از من دوری کرده به نیکویی پاداش دهم. و کسی که مرا نومید گردانیده به بخشش عوض دهم و کسی را که از من بریده به پیوستن مکافات نمایم و از آن که از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم.

روش تأخیر در کیفر

از آن جا که اصل در تشویق، سرعت تشویق و اصل در تنبیه تأخیر آن است، روش تأخیر در کیفر و تنبیه، زمینه را برای تفکر بیشتر متربی فراهم می سازد تا در کار خود نیک بنگرد و خویشتن را از بند گناهان و خطاهای خوار کننده برهاند، لذا بازگشت و تغییر در رفتار متربی را ممکن می سازد. امام (ع) شگفتی خود را از برخورد مهربانانه ی خداوند با بنده ی خویش چنین ابراز می دارد: «و اعجب من ذلک اناتک عنی و ابطاؤک عن معاجلتی و لیس ذلک من کرمی علیک بل تانیا منک لی و تفضلا منک علی لان ارتدع عن معصیتک المسخطه و اقلع عن سیئاتی المخلقه و لان عفوک عنی احب الیک من عقوبتی» (دعای ۲۶/۱۶)؛ شگفت تر از آن [شمارش کار پنهانی خودم برای تو] بردباری تو درباره ی من و درنگ تو از شتاب

در کیفر رسانیدن من است و این نه برای گرامی بودن من نزد توست، بلکه برای مدارا و خوشرفتاری و احسان تو بر من است؛ تا از معصیت خشم آور تو دست بردارم و از گناهان خوار کننده، خود را بازدارم و نیز به آن سبب است که گذشتن از [گناهان] من نزد تو از به کیفر رساندن من خوشایندتر است.

روش موعظه

سه روش تربیتی «موعظه، یادآوری نعمت و شناساندن حمد و سپاس» در راستای اصل «تذکر» از صحیفه استخراج می گردد. پند و وعظ اگر به شایستگی صورت پذیرد (موعظه حسنه) [۳]، روشی نیکو در یادآوری و تذکر است. البته واعظ خود باید عامل به وعظ باشد تا موعظه نافذ و سازنده شود و این ممکن نخواهد بود مگر این که زبان مربی یا واعظ به هدایت الهی گویا باشد: «و انطقنی بالهدی» (دعای ۱۶/۲۰)؛ به هدایت مرا گویا گردان. در سراسر صحیفه، پند و اندرز در قالب دعا موج می زند، و همین نشان دهنده ی این است که وعظ، پند و اندرز به عنوان شیوه ای نیکو برای به یاد آوردن متربیان، همواره مورد توجه مربیان و پیشوایان دینی بوده است.

روش یادآوری نعمت

پند و موعظه توأم با یادآوری نعمت ها مؤثرتر و نافذتر است، زیرا یادآوری نعمت قدرت دفاعی متربی را در برابر موعظه سست کرده مقاومت و لجاجت او را نسبت به موعظه برنمی انگیزاند. یادآوری نعمت به این دلیل صورت می گیرد که متربی به خاطر خصیصه ی غفلت و اشتغال خاطر - به ویژه اگر کودکی باشد که احساسات زودگذر و تمایلات متغیر دارد - در زمان کنونی غرق شده و از گذشته ی خویش و نعمت ها و گشایش هایی که به او ارزانی شده بود، غافل می گردد. ذکر نعمت ها او را به خود می آورد و وی را به سوی منعم و مربی بازمی گرداند؛ در منطق صحیفه یادآوری نعمت باید در پرتو حمد و ستایش رب صورت گیرد، بدین جهت حضرت (ع) در دعای اول به ذکر نعمت ها در پرتو حمد خداوند می پردازد و پس از این که ضعف انسان

را در پیروی از دستورات الهی و مخالفت با اوامر او برمی شمرد، بر بازگشت و توبه به عنوان فضل الهی تأکید می ورزد و خداوند را به خاطر گشودن در توبه به سوی انسان، حمد و ستایش می کند و انسان کمال یافته و خوشبخت را کسی می داند که به خدای متعال روی می آورد (دعای اول / ۱۸ تا ۲۲).

روش شناساندن حمد و ستایش

چنان که گفته شد، یادآوری نعمت باید در پرتو حمد و ستایش صورت گیرد تا متربی به نعمت و بخشش های پی در پی منعم توجه کند. بنابراین باید حمد و سپاس را به متربی شناساند و او را نسبت به این شیوه ی تربیتی آشنا ساخت، زیرا اگر این شناسایی صورت نپذیرد، متربی از همه نعمت ها بهره مند شده، استفاده خواهد برد و در کمال غفلت به شکرگزاری نخواهد پرداخت و بدین ترتیب از مرز انسانیت به فرو دست غلتیده، به عالم حیوانیت روی می آورد: «الحمد لله الذی لو حبس عن عباده معرفه حمده علی ما ابلاهم من مننه المتتابعه و اسبغ علیهم من نعمه المتظاهره لتصرفوا فی مننه فلم یحمدوه و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه و لو کانوا کذلك لخرجوا من حدود الانسانیه الی حد اللبهیمیه فکانوا کما وصف فی محکم کتابه ان هم الا کالانعام بل هم ضل سبیلا» (دعای اول / ۸)؛ سپاس خدایی را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسگزاری خود بر نعمت های پی در پی که به ایشان داده و بخشش های پیوسته ای که برای آن ها تمام گردانیده، بازمی داشت؛ هر آینه نعمت هایش را صرف نموده، او را سپاس نمی گزاردند و در روزی ای که عطا فرموده گشایشی می یافتند [اما] شکرش را به جان

می آوردند. و اگر چنین می بودند (که شکر نمی کردند)، از حدود انسانیت به مرز حیوانیت روی می آوردند و چنان بودند که در کتاب استوار خود وصف فرموده: ایشان جز مانند چارپایان نیستند؛ بلکه گمراه ترند.

روش ابراز توانایی ها

این روش که مبتنی بر اصل «عزت» و با توجه به نقاط قوت و توانایی های انسان به دست می آید، متربی را بر آن می دارد که خود را توانا و کارآمد ببیند، زیرا اگر نیروهای درونی خود را بیابد، احساس سرافرازی و عزت واقعی در او پدید خواهد آمد و اگر خویشتن را ناکارآمد و ناتوان ببیند، احساس سرافکندگی و ذلت خواهد داشت. بنابراین مربی وظیفه دارد امکان بروز توانایی های متربی را فراهم سازد تا وی خود را کارآمد و توانا بیابد و در پرتو آن به احساس عزتی برخواسته از عزت واقعی درونی دست یابد. بهترین شیوه برای ابراز توانایی ها، یادآوری و شکر نعمت هایی است که خداوند به متربی ارزانی داشته است. ابراز توانایی ها، یادآوری و شکر نعمت هایی است که خداوند به متربی ارزانی داشته است. آشکار ساختن عملی نعمت ها و پدیدار ساختن توانایی ها معنای واقعی شکر نعمت است (۶، ج: ۲۰، ص: ۳۱۲). البته حضرت (ع) اذعان می کنند که آدمیان به غایت شکر خدا نخواهند رسید، زیرا شکر نعمت های الهی که در زبان و عمل پدید می آید، خود نعمتی از جانب پروردگار است که باید شکر آن را نیز به جای آورد. (دعای ۱/۳۷). «الحمد لله علی ما عرفنا من نفسه و الهمنا من شکره» (دعای اول / ۱۰)؛ سپاس خدایی را که خودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام کرد. الهام شکر از جانب خدا

نشانگر این حقیقت است که انسان فطرتا باید شاکر او باشد و این شکر عملی و ابراز نعمت ها و توانایی های خدادادی و بهره مندی از آن ها انسان را به عزتی الهی می رساند و به او شرافت و بزرگی می بخشد و آن که کفران نعمت کند و توانایی های خویش را پاس ندارد و بپوشاند، به آن چنان حقارت نفسی می رسد که خود را نیازمند دیگران دانسته و عزت و شرافت خویش را بر باد می دهد؛ بدین جهت حضرت (ع) در فرازهای متعددی از صحیفه [۴] از خداوند می خواهد که او را نزد خلق بزرگ و عزیز کند و نزد خدا کوچک و نیازمند: «و ذللنی بین یدیک و اعزنی عند خلقک» (دعای ۱۱۸/۴۷). عزت در نزد مخلوقات چیزی جز دانستن توانایی ها و تکیه بر آن ها به مدد و یاری الهی نیست و جز در پرتو عبودیت او به وجود نمی آید، زیرا متربی وقتی بداند خود چیزی برای ابراز وجود و قوه ای برای به فعلیت رساندن دارد، هرگز به درگاه مخلوق رو نمی آورد و عزت خویش را ضایع نمی گرداند و همین موجب زنده شدن عزت درونی اوست.

روش حسن ظن

احتمال خطایی از متربی را حتمی و یقینی تلقی کردن خطاست. این خطا موجب بدبینی متربی نسبت به مربی می شود و به فدا شدن احساس عزت در متربی خواهد انجامید. اما روش حسن ظن، مربی را قادر می سازد در مقابل خطای غیر یقینی متربی بهترین واکنش را از خود نشان دهد و با آبروی او بازی نکند. این روش در فقه اسلامی تحت عنوان «اصاله الصحه» مورد توجه قرار گرفته است [۵] . طبق این اصل، عمل فرد مسلمان درست

و روا تلقی می شود و اگر احتمال نادرستی آن داده شود، نباید به آن اعتنا نمود و در مقام پی جویی و تجسس برآمد؛ زیرا حفظ عزت مسلمان با تجسس منافات دارد. حضرت (ع) در مقام به کارگیری از روش «حسن ظن» از خداوند درخواست می کند که: «و اجعلنی اللهم... استعمل حسن الظن فی کافتهم» (دعای ۳/۲۶)؛ خداوندا! مرا بر آن دار که درباره ی همه آن ها [برادران دینی و همسایگان] خوش گمان باشم.

روش عذر پذیری

پذیرفتن عذر متربی نسبت به خطایی که از او سر زده، مانع از آن است که احساس عزت او از بین برود، زیرا اگر مربی عذر او را نپذیرد، متربی از بر ملاـ شدن خطای خود و تن دادن به ذلت گناه ابایی نخواهد داشت. این جاست که عزت نفس او در معرض آسیب و شخصیت او در آستانه ی تخریب قرار می گیرد. عذر پذیری یکی از روش های تربیتی است که می تواند موجبات عزت نفس متربی را فراهم آورد. امام سجاد (ع) در دعایی موسوم به «اعتذار» از این که عذر خطاکار را نپذیرفته از محضر الهی عذرخواهی می کند: «اللهم انی اعتذر الیك... من مسی ء اعتذر الی فلم اعذره» (دعای ۱/۳۸)؛ بار خدایا، من به درگاه تو عذر می خواهم از بدکرداری که از من عذر خواسته و من عذرش را نپذیرفته ام. حضرت (ع) در موارد متعددی عذرپذیری را روش خدای سبحان در برابر عذرخواهی بندگان معرفی می کند مثلا: «و ما انا بالوم من اعتذر الیك فقبلت منه» (دعای ۱۱/۱۲)؛ من نکوهیده تر از کسی که به پیشگاه تو عذر آورده و عذرش را پذیرفته ای نیستم.

روش عیب پوشی

عیب پوشی و عذر پذیری هر دو در زمانی به کار گرفته می شوند که خطای متربی یقینی است و باید عیب و گناه او را پوشاند و نه تنها به دیگران منتقل نکرد بلکه به روی خود او هم نیاورد و این دو روش مکمل یکدیگرند. پوشاندن عیوب متربی و مستور کردن گناه و خطای او، مانع از هتك حرمت و پاره شدن پرده ی حیای او می شود و تا زمانی که حیا و آبروی او در پس پرده باقی بماند، عزت

او نیز حفظ خواهد شد و می توان امیدوار بود که دیگر به سراغ آن خطا نرود و به گناه آلوده نگردد. حضرت (ع) خداوند را به خاطر پوشاندن عیوب او و مستور نهادن گناهان او حمد و سپاس می نماید: «یا الهی! فلك الحمد فكم من عائبه سترتها علی فلم تفضحنی، و کم من ذنب غطیته علی فلم تشهرنی، و کم من شائبه الممت بها فلم تهتک عنی سترها و لم تقلدنی مکروه شنارها و لم تبد سواتها لمن یلتمس معائبی من جیرتی و حسده نعمتك عندی» (دعای ۲۱/۱۶)؛ ای خدای من! سپاس تو را است که چه بسیار عیب مرا پوشاندی و رسوایم نکردی، چه بسیار گناه مرا پنهان نمودی و معروفم ننمودی؛ چه بسیار زشتی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی و بدی های آن را بر همسایگانم که در جستجوی عیب هایم هستند و بر رشکبران نعمتی که به من داده ای آشکار نساختی. هم چنین در دعای بیستم از خداوند درخواست می کند که زیور پارسایان را که مستور ساختن عیوب دیگران از جمله آن ها است به او بپوشاند.

نتیجه گیری

از آن چه گذشت آشکار گردید که نظام تربیتی اسلام دارای مؤلفه های گوناگون است که می توان آن ها را از متون اسلامی استخراج کرد و به نظریه های راهنمای عمل دست یافت. صحیفه ی سجادیه به عنوان اثری معتبر در میان این متون، دارای مضامین تربیتی بلندی است که منبع قابل اعتمادی برای استنباط عناصر اساسی نظام تعلیم و تربیت اسلامی است؛ در باب اهداف تربیتی صحیفه «قرب الهی» و «تربیت عقلانی» و «شناخت خدا» دو هدف

واسطه ای می باشند. «خداجویی، غفلت و خود دوستی» سه مبنای مهم تربیت هستند که از دو مبنای «خداجویی و غفلت» اصل «بازگشت» و «تـذکر» و با توجه به مبنای «خود دوستی»، اصل «عزت» اسـتخراج می گردد. در باب روش ها، در مجموع دوازده روش تربیتی که همگی مبتنی بر اصول سه گانه ی «بازگشت، تـذکر و عزت» هسـتند، به دست می آینـد. این روش ها عبارتند از: ۱ – تـوبه؛ ۲– تفضـل؛ ۳– تبشـیر؛ ۴– نیکی در برابر بـدی؛ ۵– تـأخیر در کیفر (مبتنی بر اصـل بـازگشت (۶– مـوعظه؛ ۷– یادآوری نعمت؛ ۸– شـناساندن حمد و ستایش (مبتنی بر اصل تذکر)؛ ۹– ابراز توانایی ها؛ ۱۰– حسن ظن؛ ۱۱– عذرپذیری و ۱۲– عیب پوشی (مبتنی بر اصل عزت).

پاورقی

[۱] برای آگاهی بیش تر از رابطه ی بین مبانی، اصول و اهداف بنگرید به ۲، ص: ۶۵.

[۲] برای مطالعه ی بیشتر ر. ک: همان، ص: ۵۴.

[۳] ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه؛ نحل / ۱۲۵.

[۴] ر. ک: دعای ۱۲/۲۰؛ دعای ۳/۲۲؛ دعای ۱۳/۵ و....

[۵] رک: قواعد فقهیه از آیت ا... بجنوردی، ج: ۱،ص: ۲۳۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹